**فلسفه تکنولوژی**

شرق، ش 475، 25/2/84
از جمله فلسفه‏های مضاف که اهمیت و کاربرد فراوانی دارد «فلسفه تکنولوژی» است که کمتر به آن توجه شده. تقارن علم و تکنولوژی در دوران معاصر، قرینه کاملی در روزگار باستان ندارد. نزدیک‏ترین بصیرت‏های باستانی، اقوالی است که در قرن پنجم قبل از میلاد تا قرن چهارم، نزد ماقبل سقراطیان شکل می‏گیرد و بنا بر گفته ارسطو، مبداء مستمرترین بحث آکادمیک، قبل از تأسیس آکادمی افلاطون، فلسفه می‏باشد که تا دوره معاصر ادامه می‏یابد. تلاقی علم و تکنولوژی و فلسفه در قالب علم جدید به ظهور آمد، با آنکه این روایت ساده‏اندیشانه است می‏توان گفت؛ که تا همین اواخر با وجود اینکه مصادیق تکنولوژی در برابر ما بسیار بوده‏اند؛ اما هیچ وقت به صورت متمرکز به آنها فکر نکرده‏ایم. در مجموعه اندیشه‏هایی که در قرون متمادی شکل گرفت، تکنولوژی مورد توجه واقع شده و همراه آن نظام سیاسی از زاویه تکنیک و تکنولوژی نیز نگریسته می‏شود. اولین کتاب با نام «فلسفه تکنولوژی» در قرن 19 منتشر می‏شود. امروزه این مباحث از قلمرو فرهنگ عمومی جدا شده و در سطح آکادمیک بررسی می‏شود و سپس در سطح عمومی منعکس می‏شود. گفته می‏شود که تکنولوژی از خودش خاصیتی ندارد و همه چیز به این بستگی دارد که ما چگونه آن را به کار می‏بریم. برخلاف نظریه بی‏طرفی می‏بینیم که تکنولوژی، امری جانبدارانه است و نوعی ابهام و چند معنایی را همیشه در بردارد. از جمله مسائل کلیدی در این باره اینکه، ما چگونه می‏توانیم از تکنولوژی‏ای که با آن سروکار داریم ابهام‏زدایی کنیم و کارکرد آن را به شایستگی تعریف کنیم. نزاع در این مورد پیرامون نحوه کارکرد است.
مذاکرات در مورد انرژی هسته‏ای ایران در این باره مثال خوبی است که تکنولوژی که ما امن، ارزان و با صرفه مالی در نظر می‏گیریم، صفاتی هستند که اواسط قرن گذشته در اروپا مطرح شد و امروز صاحبان این تکنولوژی آن را ناامن، غیر ارزان و بدون صرفه مالی تجربه کرده‏اند. بنابراین، وقتی این دلائل از جانب ما ارائه می‏شود، آنها با دید منفی به ما می‏نگرند و آنچه برجسته می‏شود، جنبه دیگر این تکنولوژی یعنی تولید سلاح هسته‏ای است. در نتیجه مذاکرات، دچار وقفه و اتهام سوئیت به همدیگر می‏شود.
در جنگ جهانی اول یا دوم کارخانه‏ها و مراکز صنعتی به تولیدکنندگان تسلیحات تبدیل شدند و اگر کارخانه‏های ساده آن‏قدر دارای ابهام بوده که کاربرد متنوع داشته باشند. پس تکنولوژی پیشرفته هسته‏ای به طریق اولی می‏تواند تنوع در کاربرد داشته باشد. چنین بحرانی به اندازه بحران‏های فکری، اعتقادی یا معرفتی اهمیت دارد. پس برخلاف این تصور که تکنولوژی ابهام‏زداست؛ باید اذعان کرد که توان دامن زدن به انواع ابهام‏ها را دارد و غفلت از این ابهام سبب می‏شود، آن را خنثی دانسته و به‏طور ضمنی تسلیم سلطه بشری شویم.
تکنولوژی، انسان و جهان
تکنولوژی ابتدایی، نقش عامل تقویت کننده را بازی می‏کند؛ اما در عین حال هر کدام از تکنولوژی‏ها که به وجود آمده انسان را از یک سری چیزها محروم کرده و در نسبیت میان انسان و جهان، یک دسته عوامل را حذف می‏کند و نقش تقلیل‏گرا خواهد داشت و انواع اشیایی که به صورت تکنولوژی بین ما و جهان قرار می‏گیرند از یک طرف تقویت کننده‏اند و از طرف دیگر حالت تقلیل‏گرا دارند.
در موقعیتی دیگر نیز ابزار می‏تواند در جهان ما وارد شود و آن حالتی است که در جهان و انسان ادغام شود، مانند درجه حرارت که خاصیتی عینی از انسان یا جهان را نشان می‏دهد و به عبارتی، قرائتی خاص از جهان و انسان ارائه می‏دهد. این گونه تکنولوژی‏ها، تکنولوژی هرمنوتیکی است که با ظهور کامپیوتر و وسائل صوتی و تصویری در حال گسترش است و هر روز بهره برداری بیشتری از توان زبانی ما صورت می‏پذیرد.
نسبیت میان نظریه و مشاهده
فلسفه علم از یک سو تحت تأثیر فلسفه ریاضی شکل گرفت و بازسازی منطقی نظریه‏های علمی، مورد توجه واقع شد و از سوی دیگر گرایش پوزیتویستی که معطوف به مشاهده بود در آن تأثیر می‏گذاشت و نظریه غالب از مشاهدات شروع شده و به نظریه می‏رسد و سپس قانون نظری ارائه می‏گردد.
در نهایت نزاعی که میان نظریه و مشاهده مطرح شد و ملاک آزمون‏های علمی و بعد نظریه یا برعکس تقدم و تأخر آنها می‏باشد.
در نگاه تاریخی به علم و تکنولوژی به‏طور بدیهی علم مقدم بر تکنولوژی است و تکنولوژی آن است که در پرتو این علم تعیین می‏پذیرد. در مقابل، تصور دیگری وجود دارد که می‏گوید: از ابتدای حیات بشر، تکنولوژی بوده است، ولی علم در نهایت به دنیای بابل یا جوامع ماقبل یونان بازمی‏گردد. «هیدگر» می‏گوید: «اگر ما امکانات لازم برای وقوع آزمون‏های فیزیکی نداشتیم، نمی‏توانستیم مولد چنین علمی باشیم. در نتیجه، از نظر وجودی تکنولوژی مقدم بر علم است؛ اما از نظر تاریخی برعکس است. «لین وایت» معتقد است که تکنولوژی هم از نظر وجودی و هم از نظر تاریخی بر علم مقدم است. وی معتقد است با کمک مکانیسم‏های کمک بصری، این امکان را می‏دهد که فضاهای دور از ذهن تجسم شود. از نظر تاریخی هم اگر ساعت نبود تا تمام افعال ما از نظارت زمانی بگذرد، امکان علم‏ورزی برای ما حاصل نمی‏آمد.
تکنولوژی و دمکراسی
مهم‏ترین نزاع عصر جدید، نقد دمکراسی و تکنولوژی از دید فرهنگ بود.
جریان فکری رمانتیسیسم (Romanticism) هم به تکنولوژی و هم به دمکراسی نگاه منفی دارد، لیبرال دمکراسی (Liberalism) به هر دو نگاه مثبت دارد، و اقتدارگرایی (Totallitarianism) به تکنولوژی نگاهی مثبت و به دمکراسی نگاهی منفی دارد.